



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

CHATHAM HOUSE
The Royal Institute of
International Affairs

مهندسی نوری مالکی برای آینده عراق

پس از برگزاری انتخابات عراق و موفقیت ائتلاف سازندگی و توسعه به رهبری محمد الشیاع سودانی، نخست‌وزیر، در کسب بیشترین تعداد کرسی‌ها، منابع دیپلماتیک می‌گویند که بعید است سودانی نخست‌وزیر بعدی شود. نظام سیاسی عراق به نفع سودانی بیش از حد قدرتمند شده است که همچنان به‌عنوان چنین نامزدی دیده شود. دادگاه عالی فدرال عراق در مارس ۲۰۱۰ حکمی صادر کرد که بر اساس آن، بلوک پارلمانی که دولت جدید را تشکیل می‌دهد، نیازی نیست که فهرست انتخاباتی باشد که بیشترین کرسی‌ها را برده است؛ بلکه می‌تواند به راحتی یک ائتلاف پس از انتخابات باشد که اکثریت پارلمانی را در اختیار دارد. سودانی مجبور بوده است با تحولاتی کنار بیاید که علیه او و به نفع احزاب شیعه طرفدار ایران بوده است. مقتدی صدر، که قبل از استعفای جمعی نمایندگان در ژوئن ۲۰۲۲ در بحبوحه بحران تشکیل دولت، رهبری یک بلوک مستقل شیعه را بر عهده داشت، انتخابات را تحریم کرد. این امر به نفع احزاب شیعه طرفدار ایران بود که در نتیجه تقریباً هیچ مخالفتی در فضای سیاسی شیعه نداشتند. در واقع، احزابی که مستقیماً با گروه‌های مسلح مورد حمایت ایران مرتبط هستند—اگرچه پراکنده بودند و یک بلوک واحد را تشکیل نمی‌دادند—در مجموع بیش از ۵۰ کرسی را در آخرین انتخابات به دست آوردند. اخیراً، سودانی درگیر یک رسوایی شده است که جایگاه او را در میان احزاب شیعه طرفدار ایران به شدت تضعیف کرده است. در ۴ دسامبر، روزنامه رسمی عراق، که قوانین جدید را به اطلاع عموم می‌رساند، از حزب الله لبنان و همچنین انصارالله یمن (حوشی‌ها) به عنوان «سازمان‌های تروریستی» یاد کرد که جنجال بزرگی به پا کرد. سودانی انکار کرد که از چگونگی وقوع این امر اطلاعی داشته و گفت که زبان استفاده‌شده منعکس‌کننده موضع عراق نیست، دستور تحقیقات داد و وعده پاسخگویی برای مسئولین این اشتباه را داد. ادعای دونالد ترامپ مبنی بر اینکه سودانی او را برای جایزه صلح نامزد کرده نیز به اعتبار نخست‌وزیر آسیب زده است. مالکی، اگرچه سال‌ها از قدرت دور بوده، اما از طریق موقعیت خود به عنوان رهبر ائتلاف دولت قانون، روابطش با شبه‌نظامیان مسلحی مانند کتابت سیدالشهدا، و ارتباطاتش با دستگاه قضایی، از جمله پیوندهای نزدیک با فائز زبدان، رئیس شورای عالی قضایی، کنترل خود را بر چندین شبکه سیاسی و امنیتی در کشور حفظ کرده است. لؤک غفوری، تحلیلگر و نویسنده سیاسی عراقی، در مصاحبه‌ای گفت: «مالکی سال‌هاست که یک بازی سیاسی را به کمال رسانده است؛ بالا بردن یک نخست‌وزیر «قابل مدیریت»، سپس تضعیف، منزوی کردن، یا کنار زدن تدریجی او هنگامی که قدرتمند می‌شود. «او افزوده: «او این کار را با [حیدر العبادی] انجام داد و اکنون با سودانی انجام می‌دهد. به محض اینکه می‌بیند نخست‌وزیری که منصوب کرده است قدرتمند است و بدون رضایت او حرکت می‌کند، شروع به کنار گذاشتن او می‌کند و فرد دیگری از جناح خود را منصوب می‌کند تا قدرت خود را در بغداد حفظ کند.» مالکی بدون شک در موقعیت خوبی برای تأثیرگذاری بر انتخاب نخست‌وزیر عراق قرار دارد. با این حال، او همه قدرت را در اختیار ندارد. در واقع، کنار گذاشتن سودانی تنها نیمی از معادله است. برای اینکه نامزد مورد نظر او روی کار بیاید، مالکی باید اتحاد با سایر بازیگران شیعه را مدیریت کند؛ که بسیاری از آنها از نقش بیش از حد او ناراضی هستند، و به ویژه بعید است که مقتدی صدر بازگشت او را به عنوان نخست‌وزیر بپذیرد. او همچنین باید تأیید ایران و ایالات متحده را نیز جلب کند. در نتیجه همه اینها، یک نامزد سازش‌گر محتمل‌ترین نتیجه باقی می‌ماند.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۱ سفید روغنی شماره موتور ۱۱۵۸۱۰۹۱۹۲ شماره شاسی ۸۱۵۱۰۲۳۷ شماره پلاک ۲۵ ایران ۷۳۹۹ ۲۶ به نام عیوض مسلمی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شنیده شدن صدای ایران

درباره فروم دوحه و مواضعی که **محمد جواد ظریف** مطرح کرد



دوحه فورم: دکن

مهران کامروا استاد دانشگاه جورج تاون قطر، در گفت و گو با «هم‌میهن»:

ایران و کشورهای عربی در گرداب گذشته گرفتار مانده‌اند

گردشگران عرب شامل اماراتی‌ها، قطری‌ها و کویتی‌ها به ایران بازگردند، از نزدیک ببینند، با مردم ارتباط داشته باشند و دریابند که ما ذاتاً از یک گوهر هستیم؛ برخی عربی صحبت می‌کنند و برخی فارسی، اعتقاداتمان هم ممکن است متفاوت باشد، اما احترام، فهم و درک متقابل بسیار مهم است. تا زمانی که این موارد شکل نگیرد، بحث همکاری امنیتی فقط یک آرزو و یک شعار سیاسی باقی خواهد ماند؛ شعاری که افراد کمتر ایدئولوژیک ممکن است آن را مطرح کنند، اما زیرساختی برای تحقق آن وجود ندارد. به نظر من تا زمانی که این زمینه‌های اصلی شکل نگیرد، نمی‌توانیم قدم‌های بلندتری برداریم و همکاری امنیتی را آغاز کنیم.

تحولات راهبردی ناشی از رقابت قدرت‌های بزرگ و پیامدهای آن برای منطقه یکی از محورهای اصلی اجلاس بود. این تغییرات چگونه می‌تواند بر روابط ایران با بازیگران کلیدی مانند آمریکا، اروپا، چین و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تأثیر بگذارد؟

از نظر من، تحولات بزرگی رخ نداده و رخ نخواهد داد. ابتدا یک احساس بی‌اعتمادی نسبت به چتر امنیتی آمریکا به‌ویژه به دلیل حمله اسرائیل به قطر به وجود آمد اما پس از مدتی دیدیم که کشورهایمانند قطر و عربستان دوباره رکورد قراردادهای نظامی و خرید تسلیحات از آمریکا را شکستند. برای این کشورها، رابطه امنیتی و بهره‌مندی از چتر امنیتی ایالات متحده بسیار اهمیت دارد و به‌هیچ‌وجه حاضر نیستند این چتر امنیتی را به خطر بیندازند. برداشت آن‌ها این بود (درست یا غلط) که آمریکا و شخص ترامپ از نتایج و فریب خوردند؛ حالا چه این برداشت صحیح باشد چه نادرست، تصور مسلط این است که حمله‌ای که به دوحه شد نتیجه همین فریب‌خوردگی بود. با وجود این، کشورهای منطقه تلاش کردند و همچنان تلاش می‌کنند که روابط نظامی عمیق خود را با آمریکا حفظ کنند. اکنون روابط امنیتی و تسلیحاتی آمریکا با کشورهای خلیج فارس در سطحی است که هیچ کشور دیگری چنین جایگاهی را ندارد. قطر، امارات و عربستان در عین حال در تلاش‌اند روابط نظامی و امنیتی خود را با دیگر کشورها نیز گسترش دهند. آنچه می‌بینیم یا شنیده می‌شود از جمله شایعات، این است که چین به آمریکا در تأمین برخی موشک‌ها کمک می‌کند؛ امارات با کره جنوبی و ترکیه قراردادهای تولید سلاح دارد و کارخانه‌های تولید سلاح در امارات برقرار است که کره‌ای‌ها و ترک‌ها در آن سهیم هستند. قطر نیز با ترکیه قراردادی متقابل برای تولید خودروهای نظامی، نفربر، سلاح‌ها و دیگر تجهیزات دارد. با این حال، هیچ‌یک از این همکاری‌ها جایگزین چتر نظامی و امنیتی آمریکا نخواهد شد و این نکته بسیار مهم است.

برخی تصور می‌کنند که چین در آستانه حضور امنیتی گسترده در خلیج فارس است؛ در حالی که چین تنها چیزی که اکنون برایش اهمیت دارد حفظ امنیت خلیج فارس برای واردات نفت و گاز است. چین ترجیح می‌دهد آمریکایی‌ها امنیت منطقه را تأمین و تضمین کنند؛ و در عین حال عجله‌ای برای جایگزینی آمریکا در چتر امنیتی خلیج فارس ندارد. چین امروز درگیر مسائل دریای جنوبی چین و محیط پیرامونی خود است. برای چین، خلیج فارس بیشتر اهمیت زیرساختی و حوزه‌های فناوریانه از جمله هوش مصنوعی را دارد. روسیه

بسیار خوش‌بینانه و مثبت، مشاهده کردم که چارچوب ذهنی امنیتی طرفین تغییر نکرده است. همان سخنان و همان اتهام‌هایی که طی سال‌های گذشته ایرانی‌ها و اعراب خلیج فارس به یکدیگر وارد می‌کردند همچنان تکرار می‌شود. تا زمانی که نتوانیم این چارچوب فکری و ذهنی را اصلاح کنیم، سخن گفتن از آینده امنیتی خلیج فارس و انتظار تحول اساسی نسبت به آنچه تاکنون دیده‌ایم، از نظر من ممکن نیست، چرا که هنوز به گذشته نگاه می‌کنیم و گذشته را الگویی برای آینده قرار می‌دهیم، در حالی که نگاه صحیح و آینده‌نگر وجود ندارد. این مسئله بسیار مهم است. اجازه بدهید به سؤال نخست بپردازم. تا زمانی که ما اعتمادسازی نکنیم و تا زمانی که جمهوری اسلامی ایران نپذیرد که کشورهای عرب خلیج فارس ایران را «تهدید اصلی» تلقی می‌کنند و این طرز فکر را جدی نگیرد و همچنان تصور کند که این نگرش اشتباه است، مسئله حل نخواهد شد.

باید توجه کنیم که حتی اگر این تصور اشتباه باشد، آنچه اهمیت دارد این است که «تصورات» واقعیت‌ها را می‌سازند، یعنی اگر آنان چنین می‌اندیشند حتی اگر به‌غلط، این تصور بر رفتار و تصمیم‌گیری‌هایشان اثر می‌گذارد. تا وقتی که به ریشه‌های این بی‌اعتمادی نسبت به جمهوری اسلامی فکر نکنیم و اقدام نکنیم و تا زمانی که بگوییم «آنها درست نمی‌فهمند» یا «تحت تأثیر تبلیغات منفی آمریکا و اسرائیل هستند»، نقش امنیتی ایران در منطقه شکل نخواهد گرفت؛ یعنی ایران نمی‌تواند نقش امنیتی همکاری محور با کشورهای عرب ایفا کند.

هرچقدر هم که شعار بدهیم و بگوییم «اعراب برادران ما هستند» یا «ما را درست درک نمی‌کنند و این به‌خاطر تبلیغات آمریکا و اسرائیل است»، مشکل حل نمی‌شود. نخست باید اعتمادسازی کنیم؛ سپس درباره همکاری امنیتی سخن بگوییم. تا زمانی که اعتماد وجود نداشته باشد و در حال حاضر اعتماد نسبت به ایران در کشورهای خلیج فارس بسیار کم است، بحث همکاری امنیتی صرفاً یک موضوع نظری، فلسفی و نوعی خوش‌بینی آرزومندانه خواهد بود که فعلاً تحقق‌پذیر نیست.

بنابراین ابتدا باید اعتمادسازی انجام شود و اعتماد نیز از مسیر رابطه «مردم با مردم» محقق می‌شود. وقتی ما چنین می‌اندیشیم که «به‌جز الگوی مذهبی ما، همه الگوهای مذهبی اشتباه‌اند»، وقتی این را علناً بیان می‌کنیم، طبیعی است که این دیدگاه بازتاب منفی شدیدی در میان مردم کشورهای همسایه جنوبی خواهد داشت. تا زمانی که رابطه مردم با مردم، بر پایه احترام متقابل و فهم متقابل، درست شکل نگیرد، هیچ زیرساختی برای اعتمادسازی وجود نخواهد داشت. به نظر من، یکی از نخستین قدم‌های اعتمادسازی این است که



فاطمه کلانتری

روزنامه‌نگار

«دوحه فروم» یکی از مهم‌ترین گردهمایی‌های سیاسی و راهبردی منطقه‌ای است که هر سال با حضور رهبران، دیپلمات‌ها، اندیشمندان و فعالان سیاست خارجی برگزار می‌شود و به بررسی روندهای ژئوپلیتیکی، امنیتی و اقتصادی جهان می‌پردازد. در دوحه فروم ۲۰۲۵ نیز محور اصلی نشست‌ها بر تحولات نظام بین‌الملل، آینده معماری امنیتی خاورمیانه، نقش قدرت‌های بزرگ و چشم‌انداز همکاری‌های منطقه‌ای متمرکز بود؛ رویدادی که در آن تنش‌های ژئوپلیتیکی، رقابت‌های امنیتی و ضرورت بازتعریف نظم منطقه‌ای در صدر گفت‌وگوها قرار داشت. در این دوره از اجلاس، موضوع جایگاه ایران در نظم امنیتی جدید منطقه به‌طور ویژه مورد بحث قرار گرفت؛ از جمله چالش‌های اعتمادسازی، برداشت کشورهای عربی از ظرفیت‌های امنیتی ایران، نقش آمریکا در چتر امنیتی خلیج فارس و فرصت‌ها و موانع پیش‌روی دیپلماسی منطقه‌ای تهران. در گفت‌وگویی که در ادامه می‌آید، مهران کامروا، استاد دانشگاه جورج تاون قطر، در ارزیابی خود از این مباحث تأکید می‌کند که بدون اصلاح چارچوب‌های ذهنی گذشته، بازسازی روابط مردمی و تبیین دقیق مواضع ایران برای همسایگان، امکان شکل‌گیری همکاری امنیتی جدید با کشورهای عربی خلیج فارس فراهم نخواهد شد. متن این مصاحبه به شرح زیر است:

در دوحه فروم ۲۰۲۵، بحث‌های قابل‌توجهی درباره نقش ایران در معماری امنیتی جدید منطقه مطرح شد. ارزیابی شما از جایگاه ایران در نظم امنیتی در حال شکل‌گیری خاورمیانه چیست و مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر این نقش چیست؟

نخست باید بگویم که متأسفانه هم ایران و هم کشورهای عرب خلیج فارس در نوعی گرداب گرفتار شده‌اند؛

همه از آینده امنیتی خلیج فارس سخن می‌گویند، اما در عمل در گذشته، آن‌هم گذشته‌ای مملو از بی‌اعتمادی، گیر افتاده‌اند و این چرخه همچنان ادامه دارد. من در چند پستی که در دوحه فروم شرکت کردم و با دوستان عرب و ایرانی گفت‌وگو داشتم، با وجود شنیدن برخی دیدگاه‌های